

باسمه تعالی

یکسان سازی سهم شرکت ملی نفت ایران نفت از فروش نفت به داخل و خارج کشور راهکار حمایت از تولید فرآورده به جای خام فروشی

امیرحسین تیبانیان

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

Ah.tebyan@gmail.com

مسعود صباغی

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد مهندسی شیمی دانشگاه صنعتی مالک اشتر

Masoud.sabbaghi@yahoo.com

چکیده

شرکت ملی نفت ایران به عنوان بزرگ‌ترین بنگاه اقتصادی کشور از اهمیت انکارناپذیری برخوردار است. از آنجایی که بودجه کشور وابستگی زیادی به نفت دارد و شرکت ملی نفت به عنوان تولید کننده مهمترین منبع درآمدی کشور است، نحوه اداره و فعالیت آن بر تمامی عرصه‌های اقتصادی و سیاسی جامعه تاثیر می‌گذارد. سال هاست که در کنار مشکلات ناشی از بدهی شرکت ملی نفت ایران، بحث مربوط به تفاوت درآمد های شرکت ملی نفت از فروش آن به داخل نیز مطرح است. این تفاوت موجب می شود تا رویکرد مدیران این شرکت به جای توجه به توسعه پایین دست صنعت نفت و پالایشگاه به سمت درآمد بالاتر که از صادرات نفت خام حاصل می شود، سوق پیدا کند. در صورتی که سهم این شرکت از فروش نفت به پالایشگاه ها مطابق با صادرات در نظر گرفته شود، علاوه بر حل عمده مشکلات مالی، می تواند به تغییر عزم مسئولان و تصمیم گیران این حوزه به کاهش خام فروشی نفت و افزایش تولید فرآورده های نفتی از طریق توسعه پایین دست نف، منجر شود.

واژگان کلیدی: شرکت ملی نفت ایران، خام فروشی، زنجیره ارزش، پالایشگاه، قوانین بالادستی

مقدمه

شرکت ملی نفت ایران به عنوان مهمترین تامین کننده منابع درآمدی کشور شناخته می شود. تولیدات این شرکت بر اساس آخرین آمار منتشر شده در گزارش تفریغ سال ۹۴ معادل ۲,۹ میلیون بشکه نفت، ۶۵۹ هزار بشکه میعانات و ۷۲۴ میلیون متر مکعب گاز در روز می باشد.

در حال حاضر میزان تولیدات این شرکت بر اساس گفته های مسئولین معادل ۳,۸ میلیون بشکه نفت، ۷۰۰ هزار بشکه میعانات گازی و ۸۰۰ میلیون متر مکعب گاز می باشد.

با توجه اینکه نیمی از بودجه سنواتی کشور به تولیدات شرکت ملی نفت ایران وابسته است، نیاز به توجه ویژه ای به این شرکت وجود دارد چراکه خود همواره با مشکلات مالی دست به گریبان بوده است.

مطابق با برنامه ششم توسعه برای حفظ تولید و توسعه بالادست صنعت نفت و گاز، نیاز به سرمایه گذاری ۱۳۰ میلیارد دلاری در این حوزه وجود دارد. در حال حاضر با توجه به نیاز بالای سرمایه گذاری در حوزه بالادست نفت و گاز جهت توسعه میدان مشترک و نگه داشت تولید فعلی، درآمد فعلی شرکت ملی نفت کفایت نمی کند.

به علاوه طبق گزارش تفریغ سال ۱۳۹۴ مجموع بدهی (اصل و سود تسهیلات) شرکت ملی نفت به بانک مرکزی و بانک های تجاری حدود ۹۵ هزار میلیارد تومان است که از این میزان ۷۸ هزار میلیارد تومان (معادل ۸۲ درصد) سهم بانک مرکزی و الباقی یعنی حدود ۱۷ هزار میلیارد تومان سهم سایر بانک های تجاری است.

مهمترین مسئله ای که در این میان موجود است، تفاوت چشمگیر در آمد های این شرکت از فروش به داخل و صادرات نفت خام می باشد.

در این میان به طور معمول سهم این شرکت از صادرات نفت، ۱۴,۵ درصد در نظر گرفته می شود در حالی که برای فروش آن به پالایشگاه های داخل کشور، تنها ۵ درصد به شرکت ملی نفت تعلق می گیرد.

این تفاوت درآمدی، ناگزیر از دو جهت به سرمایه گذاری شرکت ملی نفت ایران در حوزه پایین دست و پالایشی کشور ضربه خواهد زد:

جنبه اول آن است که با این تفاوت، حدود نیمی از درآمد شرکت ملی نفت که می توانست به صورت صادراتی و با سهم ۱۴,۵ درصدی محاسبه شود، با فروش به داخل به یک سوم تقلیل پیدا می کند.

اما تاثیر دوم این سیاست غلط که چه بسا مهمتر نیز می باشد، این است که موجب می شود عزم مسئولین و تصمیم گیران این شرکت برای سرمایه گذاری در حوزه پایین دست نفت و ساخت پالایشگاه به صفر میل کند.

چارچوب مسئله

در صورتی که شرکت ملی نفت، نفت تولیدی را در اختیار پالایشگاه های داخلی جهت تولید فرآورده های نفتی قرار دهد، درآمدی که کسب می کند بسیار کمتر از سهم درآمدی این شرکت از نفت صادراتی است. طبق گزارش تفریغ بودجه سال ۱۳۹۴، سهم درآمدی شرکت ملی نفت از نفت صادراتی به ازاء هر بشکه ۱۸,۴۳۳ تومان است؛ در حالی که این رقم برای نفت

تحویلی به پالایشگاه های داخلی ۶,۲۸۷ تومان است؛ یعنی حدود ۵ درصد ارزش واقعی نفت، در مقابل ۱۴,۵ درصد در حالت صادراتی.

در واقع بر اساس قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، کارگروهی متشکل از وزارت نفت، وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه کشور در نظر گرفته شده است که هر بشکه نفت فروخته شده در داخل کشور را بر اساس درآمد های حاصل از فروش فرآورده های نفتی قیمت گذاری می کنند. با توجه به منابع درآمدی در نظر گرفته شده، قیمت هر بشکه تقریباً یک سوم ارزش صادراتی آن می باشد.

بدون شک نحوه مصرف نفت؛ صادرات یا مصرف در داخل کشور، تاثیری در هزینه های تولیدی آن ندارد که بر اساس آن درآمدهای مختلفی برای شرکت ملی نفت در نظر گرفته شده است. نتیجه این رویکرد ایجاد انگیزه در شرکت ملی نفت برای افزایش صادرات نفت به جای افزایش فرآوری آن در پالایشگاه ها و پتروشیمی های داخل کشور است.

این مسئله در مغایرت با سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی است.

بند ۱۳ و ۱۵ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری تاکید بر افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز و بالابردن صادرات محصولات پتروشیمی و فرآورده های نفتی دارد.

بند ۱۳. مقابله با ضربه پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق:

- انتخاب مشتریان راهبردی.
- ایجاد تنوع در روش های فروش.
- مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش.
- افزایش صادرات گاز.
- افزایش صادرات برق.
- افزایش صادرات پتروشیمی.
- افزایش صادرات فرآورده های نفتی.

بند ۱۵. افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع.

در حال حاضر اجرایی کردن این سیاست بر خلاف منافع اقتصادی شرکت ملی نفت ایران است؛ زیرا سهم شرکت ملی نفت از نفت صادراتی و تحویلی به پالایشگاه های داخلی با هم متفاوت است. در حالی که این تفاوت عملاً در تضاد با سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی در خصوص افزایش ارزش افزوده و کاهش خام فروشی است.

پیشینه اقدامات

مشکلات مالی مربوط به شرکت ملی نفت ایران که می توان از آن به عنوان مهمترین عامل تولید منابع بودجه کشور یاد کرد، به طور مستمر مورد بحث و رایزنی مسئولین و کارشناسان این حوزه بوده است.

در این میان مسئولان برای حل مشکلات مالی شرکت ملی نفت ایران در برهه ای به سمت استقراض مستقیم خارجی رفتند و در برهه ای دیگر به سرمایه گذاری مستقیم خارجی از طریق انعقاد قراردادهای بین المللی نفتی روی آوردند.

شایان ذکر است که قرارداد های بیع متقابل و IPC از این جمله بودند که حساسیت های زیادی در کشور ایجاد کرده و بررسی آن ها حاکی از عدم تحقق اهداف قراردادی می باشد.

یکی از راه های جدی برون رفت از این وضعیت، اصلاح نظام مالی بین دولت و شرکت ملی نفت ایران است به نحوی که شرکت ملی نفت به سمت تبدیل شدن به یک بنگاه تجاری واقعی حرکت کند.

شرکت ملی نفت همواره به دنبال تامین هزینه های سرمایه ای جهت توسعه میادین نفتی و گازی بوده است. از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید:

بر اساس این قانون، تمامی سرمایه گذاری های صورت گرفته در میادین نفت و گاز از محل ۵۰ درصد افزایش تولید محقق شده در این میادین، قابل بازپرداخت است.

(پیش از تصویب قانون رفع موانع تولید، این ماده در بند ق تبصره ۲ قانون بودجه سال ۹۳ آورده شده بود.)

۲. استقراض از منابع ارزی و ریالی بانک مرکزی:

به طرق مختلف در بودجه های سنواتی، شرکت ملی نفت برای تامین هزینه های سرمایه ای خود، اقدام به استقراض از بانک مرکزی و بانک های تجاری نموده است. یک از موارد مهم آن وام ۲۰ میلیارد دلاری از بانک مرکزی است که شرکت ملی نفت تاکنون موفق به باز پرداخت آن نشده است.

همانطور که ملاحظه می کنید، برای تامین هزینه های سرمایه ای شرکت ملی نفت، دولت هر ساله منابعی خارج از روال عادی و رابطه درآمدی خود با شرکت ملی نفت در نظر گرفته است.

۳. افزایش سهم شرکت ملی نفت:

برای حل مشکلات مالی مربوط به شرکت ملی نفت ایران در جریان تصویب بودجه در سال های ۹۵ و ۹۶، قصد افزایش سهم این شرکت از صادرات از ۱۴,۵ درصد به ۲۰ درصد وجود داشت که در هیچ یک از موارد در مجلس به نتیجه نرسید.

پیشنهاد سیاستی

با توجه به مسائل مطرح شده، پیشنهاد می شود سهم شرکت ملی نفت از نفت صادراتی و نفت تحویلی به پالایشگاه های داخلی به میزان ۱۴,۵ درصد ارزش نفت صادراتی در نظر گرفته شود.

با بررسی میزان فروش نفت به داخل کشور در سال ۹۵، می توان فهمید که ما به التفاوت مبلغ پرداختی برای جبران سهم ۱۴,۵ درصد سهم شرکت ملی نفت از فروش نفت داخلی، حدود ۸,۵ هزار میلیارد تومان است.

سوالی که اینجا مطرح می شود این است که این مبلغ را از کجا می توان تامین کرد؟

با افزایش ظرفیت تولید بنزین در داخل کشور و جایگزینی گاز طبیعی با گازوئیل و نفت کوره در نیروگاه ها، صادرات فرآورده های نفتی در کشور افزایش پیدا کرده است که منابع درآمدی قابل توجهی می باشد.

بررسی آمار سال ۹۵ نشان می دهد که این عدد به حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. این محل منبع درآمدی مناسبی برای تامین ما به التفاوت در نظر گرفته شده برای سهم ۱۴,۵ درصدی شرکت ملی نفت از محل فروش نفت به داخل کشور است.

با اصلاح نظام درآمدی شرکت ملی نفت به این ترتیب:

۱. رابطه درآمدی شرکت ملی نفت با دولت اصلاح می شود. لذا شرکت ملی نفت به سمت تبدیل شدن به یک بنگاه اقتصادی حرکت می کند و می تواند به کمک منابع خود برای سرمایه گذاری های مورد نیاز برنامه ریزی کند و مشکل تامین مالی پروژه های آن به شدت کاهش می یابد.
۲. جذابیت اقتصادی لازم برای توسعه صنایع پایین دستی و مصرف نفت در داخل کشور به وجود آمده و شرکت ملی نفت به عنوان تولید کننده خوراک این واحدها از آن استقبال می کند. حتی شرکت ملی نفت انگیزه لازم برای سرمایه گذاری در این حوزه را به استناد تبصره ماده ۵ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت مصوب ۱۳۹۵ پیدا می کند.
۳. کمک به واقعی شدن اقتصاد شرکت ملی موجب رونق فعالیت های این شرکت در حوزه بالادست نفت و گاز شده که علاوه بر بهره مندی کشور از تولید نفت و گاز بیشتر، می تواند موجبات اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاهی و رونق مناطق نفتخیز کشور را به همراه داشته باشد.

ماده پیشنهادی در بودجه سال ۱۳۹۷ که با تصویب کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی (کمیسیون تخصصی مجلس شورای اسلامی) به تبصره ۱۴ الحاق شده است:

در راستای شکل گیری اقتصاد صنایع پایین دستی نفت و تکمیل زنجیره ارزش آن، دولت موظف است سهم شرکت ملی نفت از هر بشکه نفت و میعانات گازی تحویلی به پالایشگاه های داخلی را براساس ۱۴,۵ درصد از قیمت هر بشکه نفت و میعانات گازی صادراتی از محل نفت خام معادل تولید فرآورده های صادراتی محاسبه و پرداخت کند. در این راستا دولت مکلف است در صورت عدم پرداخت تکلیف فوق الذکر، از محل مطالبات بانک مرکزی بابت اصل و سود تسهیلات اعطایی به این شرکت، اقدام به تسویه حساب نماید.